

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

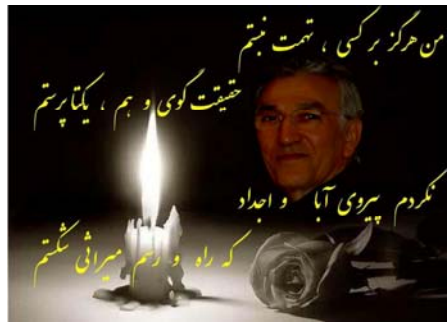
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

۲۰ جولای ۲۰۱۸



## راکت سوارِ بدکاره

عین وغین و خرزى و راکت سوار  
چار خائن، چار ملعون کثیف...  
چار زانى، چار از مادر خطا  
چار رهبر، چار قاتل، چار دزد  
چار روباه، گرگ و کفتار و شغال  
چار جانی، چار دلالِ عرب  
چار روزی خواهم از حق، تا رسد  
چار قاضی، چار میزِ محکمه  
چار گیلن نفت و کبریت و سپس  
بعد از آن منهم دو سه بیٹی رقم  
گلبدین! ای بیحیای چشم پار  
گلبدین! عفت نماندی در کلام  
گلبدین! ای خواهر و مادر زنا  
گلبدین! ای بد اجیرِ اجنبی  
گلبدین! ای دشمن کابل زمین  
گلبدین! ای میهن و مردم فروش

چار غنڈل، چار عقرب، چار مار  
چار مفسد، چار از سگهای هار  
چار مفعول و ملوط بیقرار  
چار ابلیس که باهم، چار یار  
چار کرگس، لاشه خورانِ جمار  
چار بی ناموسِ ختم روزگار  
چار مجرم در صف و من، در نظر  
چار خاده، چار حلقه، چار دار  
باشدا بر دستِ مردم اختیار  
اینچنین عنوانِ حرامی تیار  
بدقلیق، بدکاره راکت سوار  
رفته از دستم عنان اختیار  
دخترانت دالخوران را شکار  
ای قسم خورِ پلیدِ بی وقار  
علتِ هر انفجار و انتحار  
ننگ و ناموست به پاکستان نثار

گلبدين ! ای باعثِ قتل و قتل در عزا بنشسته مادرها قطار  
 گلبدين ای نطفه اهلِ ملوط پیروانت بر نُعوظِ خر سوار  
 زانسبب باراکت و خمپاره ها در چریدن روزو شب بی بند و بار  
 از در و دیوار می بارد یتیم خون و گوشت و استخوان بیشمار  
 اشک و فریاد و فغانِ کودکان محشری برپا نموده هر کنار  
 گریه و سوز و گدازِ هموطن غرق گشته، کابل زیبا به نار  
 "نعمتا" ! کمرنگ خامه، نامه تنگ بس نوشتم، گلبدين و چار چار

## روکت سولر بدکاره (۱)

صین و، غین و، خرزرو، روکت سولر  
 چار عُنْدل ، چار عَقْرَب ، چار مار  
 چار خائِن ، چار ملعون کثیف  
 چار مُفْسِد ، چار از سَکْهَار بَر  
 چار زلونی ، چار از مادر خطا  
 چار مَفْعُول و ، ملوطِ پِستَرور  
 چار رَهْبَر ، چار قاتل ، چار دزد  
 چار لَوِیْسِ کِه باهَم ، چار یار  
 چار روبا ، گرک و ، کفتار و ، شغال  
 چار کرگس ، لاشه خورلانِ حِمَار  
 چار جانی ، چار دلالِ عسب  
 چار بے ناموسِ ختمِ روزگار  
 چار روزِ خولوسم از حق تارسد  
 چار مُجْهَرَم در صف و من ، در نظار

چار قاضی، چار میز محکمہ (۲)  
 چار خاوه، چار حلقه، چار دلار  
 چار کیلن نفت و، کبریت و، پس  
 باشد بر دست مردم، وختیار  
 بعد ازون، منم دو سه بیتی رقم  
 و پخنین عنولون حسومی تبار  
 گهبدین! لار بی حیار چشم پار  
 بد تلیق، بد کارهء راکت سوار  
 گهبدین! عفت نامدر، در کدم  
 رفته از دستم عنان وختیار  
 گهبدین! لار خواهر و مادر زنا  
 دخترونه، دلال خورون رو شکار  
 گهبدین! لار بد لویس و جنبی  
 لار قسم خور پلید بی وقار  
 گهبدین! لار دشمن کابل زمین  
 علت هر وفتجار و افتخار



گلبدين! لاس ميهن و مردم فروش  
 گنک و ناموست به پاکستان نشار  
 ( ۳ )  
 گلبدين! لاس باعث قتل و قتل  
 در عزله بنشته مادر ما قطار  
 گلبدين! لاس نطفه و هل ملوط  
 پيسرولنت بر نغوځ خسر ، سوار  
 زلوسبب با رولکت و خمپاره ما  
 در چسدين ، روز و شب بي بند و بار  
 لوز در و ديولار ، مي بارد ي تيمم  
 خون و گوشت و ، لوستخولن بيشمار  
 لاشک و فرياد و فغان کودکان  
 محشر بر پا نموده هر کنار  
 گريه و ، سوز و ، گداز هموطن  
 غرق گشته ، کابل زيبا به نار  
 « نعمت ما »! کم رنگ خامه ، نامه گنگ  
 بس نوشتيم ، گلبدين و چار چار